



رویکرد تبلیغی امام علی (علیه السلام) در اعزام به یمن

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۱۷
فاطمه شکیب رخ^۱

چکیده

پس از صلح حدیبیه در سال ششم هجری، زمینه برای دعوت از ساکنان مناطق اطراف حجاز به اسلام فراهم شد. یمن یکی از این مناطق در جنوب شبه جزیره عربستان بود که سال هشتم هجری برخی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جمله امام علی (علیه السلام) برای دعوت مردمان آن به اسلام اعزام شدند. نحوه استقبال و پاسخ اهالی یمن به دعوت امام علی (علیه السلام) با دیگر مبلغان تفاوت چشمگیری داشت. چرایی این مسئله، با تحلیل ویژگی‌های رفتاری و گفتاری امام علی (علیه السلام) در بُعد اجتماعی و سیاسی میسر خواهد بود که می‌تواند درباره تغییر نگرش در تبلیغ اسلام مؤثر باشد. این کار به منظور معرفی الگویی شایسته برای جامعه معاصر ما که با جریان‌های مختلف دینی و اعتقادی روبه‌روست، ضرورت دارد. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع تاریخی انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد رویکرد تبلیغی امام علی (علیه السلام) در یمن، مبتنی بر عواملی از جمله بیان حق منشانه در ابلاغ کلام الهی، شایستگی‌های معنوی مبلغ، مخاطب‌شناسی، به کارگیری قالب موعظه تمثیلی و توجه به جایگاه علمی و معنوی مخاطب بوده است. رویکرد منحصر به فرد ایشان، سبب ماندگاری نقش تشیع در حوادث صدر اسلام شد و الگویی ماندگار برای تبلیغ دینی ارائه داد.

کلیدواژه‌ها: امام علی (علیه السلام)، یمن، تبلیغ اسلام، رویکرد تبلیغی.

f.shakibrokhi@urdu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران:

۱. مقدمه

حضور تبلیغی امام علی (علیه السلام) در سال‌های هشتم و دهم هجری در یمن، از مؤثرترین عوامل آشنایی اعراب یمنی با اسلام و توسعه حکومت اسلامی بود. برخی افراد قبایل یمنی پس از گردن نهادن به اسلام، در گرایش‌های مهم سیاسی و مذهبی، با حمایت‌های خود از حضرت علی (علیه السلام) و با پراکنده شدن در بلاد مختلف اسلامی، در دگرگونی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نشر تشیع، سهم مؤثری ایفا کردند. با این حال، ابعاد روش‌شناختی این حضور تبلیغی و علل کارآمدی آن، کمتر مورد واکاوی دقیق قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر در پی آن است تا با بررسی سیره رفتاری و تبلیغی امام علی (علیه السلام) در مدت حضورشان در یمن، روش‌های تبلیغی ایشان را واکاوی کند. یمن تنها منطقه‌ای بود که مردمانش بدون جنگ و با تبلیغ حضرت علی (علیه السلام) به عنوان فرستاده ویژه پیامبر ﷺ اسلام آوردند.

اعزام امام علی (علیه السلام) هنگامی رخ داد که پیامبر ﷺ پیش از ایشان «خالد بن ولید» و «معاذ بن جبل» و دیگر مبلغان را به یمن فرستاده بود؛ اما آنان موفقیت چندانی در دعوت مردم به اسلام کسب نکردند. در حالی که با دعوت علی (علیه السلام) از قبیله «همدانیان»، به قول طبری، همه آن‌ها در مدت یک روز مسلمان شدند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۱۳۲).

پس از همدان، قبایل «مذحج» و «نخع» نیز به دست حضرت علی (علیه السلام) به اسلام گرویدند. دوستی میان یمنی‌ها و علی (علیه السلام) به حدی بود که از تعداد ۲۳ نفر هسته اولیه تشیع، بعد از اجرای سقیفه، ۱۰ نفر از انصار، یمنی نام برده شده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۵؛ منتظرالقائم، ۱۳۸۰: ۸۶-۹۴). از این رو، پژوهش حاضر درصدد فهم این مطلب برآمده که رویکرد امام علی (علیه السلام) در تبلیغ اسلام در یمن، مبتنی بر چه ویژگی‌هایی بوده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با واکاوی در روش‌های پیشینه‌یابی از جمله کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های مرتبط، در موضوع حاضر منابع مستقلی یافت نشد. شایان ذکر است که سعیدیان

جزی (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل و بررسی ابعاد سیره امام علی (علیه السلام) به یمن و پیامدهای آن» به معرفی پیامدهای حضور امام در یمن در دوره خلفای راشدین پرداخته است. با این حال، این مقاله به روش تبلیغی و سیره رفتاری علی (علیه السلام) در یمن در دعوت به اسلام یمنیان اشاره ای نداشته و با عنوان تحقیق حاضر متفاوت از بقیه است. همچنین رساله دکترای میرزایی (۱۴۰۴) با عنوان «مبانی و روش های سیره تبلیغی امام علی (علیه السلام)» در این زمینه پدید آمده است. این رساله به کلیات سیره تبلیغی امام علی (علیه السلام) پرداخته؛ اما پژوهش حاضر با تمرکز بر موردی خاص (یمن)، به تحلیل عمیق شواهد تاریخی و رفتاری در آن بستر می پردازد. تفاوت اصلی در این است که این مقاله به جای مبانی نظری کلی، به واکاوی علل موفقیت روش های تبلیغی در یمن (مانند مخاطب شناسی و نرم خویی) می پردازد و الگویی عملیاتی و کاربردی برای مبلغان معاصر ارائه می دهد.

۱-۲. هدف پژوهش

این تحقیق، برای ترسیم مسئله، ابتدا اعزام مبلغان به آن منطقه از جمله امام علی (علیه السلام) را بررسی کرده، سپس با شرح چگونگی اعزام های حضرت، بر رویکرد تبلیغی ایشان معطوف شده است. بر این اساس، روشن می شود که حضور امام علی (علیه السلام) در یمن که در تداوم رسالت الهی رسول الله ﷺ قرار داشت، از مهم ترین و مؤثرترین عوامل آشنایی اعراب یمنی با اسلام و توسعه حکومت اسلامی بود. در نتیجه، برخی مشاهیر قبایل یمنی پس از گروش به اسلام، در گرایش های سیاسی و مذهبی خود، بیش از دیگران هوادار اهل بیت (علیهم السلام) بوده و متناسب با ساختار جمعیتی عظیم و پراکنده شدن در بلاد مختلف اسلامی، در دگرگونی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و تقویت و نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) و آموزه های وحیانی سهم مؤثری ایفا کردند.

۲. اعزام مبلغ به یمن برای دعوت به اسلام

در سال هشتم هجری، یمن از مناطقی بود که پیامبر ﷺ مبلغانی از جمله علی (علیه السلام) و خالد بن ولید را برای دعوت به اسلام به آنجا فرستاد. در سال دهم هجری، پیامبر

خالد را با چهارصد نفر به سوی بنی حارث بلحارث بن کعب در نجران فرستاد و آنان را به اسلام دعوت کرد. او شش ماه در یمن به دعوت پرداخت؛ ولی کسی اعلان وی را نپذیرفت. در پی آن، پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را به یمن روانه کرد. آن حضرت در نامه‌ای به خالد، دستور بازگشت وی را به همراه هیئتی از بنی حارث نیز صادر فرمود (مسعودی، ۱۹۷۹م، ج ۱: ۳۳۰). پس از آن، بنی حارث در سال دهم هجری به سوی قوم خویش بازگشتند^۱ (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷۳).

۲-۱. دیگر مبلغان اعزامی به یمن

در همین سال، عمرو بن حزم انصاری خزرجی، از بنی نجار به نزد یمنی‌ها برای آموزش فقه، احکام و سنت پیامبر ﷺ و جمع‌آوری زکات و رساندن آن نزد فقرا فرستاده شد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۵: ۴۷۸؛ یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۷۷؛ ابن اثیر، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۰۳). از آن جا که در برخی گزارش‌ها از عمرو به عنوان فرماندار بخشی از نجران نام برده شده و در گزارش جاری عامل صدقات و مبلغ احکام معرفی شده، می‌توان دریافت که برخی از والیان وظایفی چندگانه برعهده داشتند.

وائل بن حجر^۲ نیز از بزرگان صحابه نامیده شده که در یمن عهده‌دار تعلیم قرآن و نشر اسلام بود (الزکلی، ۱۹۸۹م، ج ۸: ۱۰۶). برخی منابع گزارش می‌دهند معاذ بن جبل را نیز معلم قواعد اسلام نامیده‌اند که به هر نقطه از مراکز یمن و حضرموت منتقل می‌شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۳۳۶). هر چند پژوهش‌های جدید مدعی نقص این خبر هستند و هدف از ارسال وی را برطرف شدن مشکلات مالی اش دانسته‌اند. در این باره، غیر از معاذ موارد مشابه نیز گزارش شده است. از جمله، پیامبر ﷺ برخی فرستادگان

۱. ابن خلدون برخلاف گزارش حاضر، نقل کرده: سال دهم در ماه ربیع یا جمادی، خالد بن ولید را با سربهای ۴۰۰ نفری به نجران و حوالی آن فرستاد تا بنی الحارث بن کعب را به اسلام فراخواند و اگر نپذیرفتند با آنان نبرد کند. ولی مردم آن نواحی اسلام آوردند. او ماجرا را به پیامبر ﷺ نوشت. پیامبر از او خواست با وفده‌ای آنان به مدینه بیاورد. گزارش ابن خلدون این سؤال را ایجاد می‌کند که چنانچه موفقیت خالد را در دعوت به اسلام یمنی‌ها بپذیریم، علت دستور بازگشت خالد، به همراه وفده‌ای یمنی را چه باید بدانیم؟ (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۷۳).

۲. وائل از شعرا و اصحاب پیامبر بود و نماینده پیامبر در گردآوری زکات در منطقه خود (حضرموت) بوده است. رسول خدا ﷺ در طی نگارش نامه‌ای به وی، مباحث مربوط به نماز، روزه و زکات را مطرح و دستورهای لازم را به او اطلاع داد (حمیدالله، ۱۳۷۷: ۲۹۶-۲۹۹).

خود را برای دریافت صدقات (مالیات و زکات) می فرستاد. به این منظور، عدی بن حاتم نزد طی (قوم خود) رفت تا مالیات آن ها را بگیرد. مهاجر بن امیه بن مغیره نیز به صنعاء پایتخت دیرین و کنونی یمن (همان، ج ۲: ۳۰۱)، و نزد حارث بن عبد کلال حمیری فرستاده شد (ابونعیم، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۱۰۸).

رویکرد تبلیغی فرستادگان پیامبر ﷺ در گزارش های وارده متفاوت است، در حالی که استناد آن به برخی صحابه، محل شک می باشد. چنان که در خصوص نامه ای که به پیامبر ﷺ منسوب دانسته اند و حاوی دستورالعمل های تبلیغی برای معاذ از جانب رسول خدا ﷺ است، مشاهده می شود که حضرت فرموده اند: «به ایشان (مردم) بگو خدا در هر روز و شب پنج نماز بر شما واجب کرده، اگر آن را پذیرفتند، آن گاه بگو پروردگار سالی یک ماه روزه را بر شما قرار داده و اگر قبول کردند، آن گاه بگو خدا بر آنان که استطاعت دارند، حج کعبه را واجب کرده، اگر اطاعت کردند، پس بگو خدا بر اموال شما صدقه را قرار داده است». در ادامه، پیامبر ﷺ به او می فرماید که صدقات را بگیرد. روایت ادامه می دهد چون معاذ به یمن آمد، به میزان غیر نصاب، گاو و عسل نزد وی آوردند و او گفت: در این مورد دستور را نمی دانم (بلاذری، ۱۹۸۸ م: ۷۷). در گزارش دیگر، قبل از ارسال معاذ به یمن، پیامبر ﷺ ضمن پرسیدن سؤالاتی درباره نحوه تبلیغ معاذ در یمن از او می شنود که اجتهاد می کنم و درمانده نمی شوم (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۶۴). علاوه بر تناقض محتوایی دو روایت، برخی مورخان مانند ذهبی، سند گزارش اجتهاد را ضعیف و قابل اعتنا نمی دانند (ذهبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱: ۴۳۹). در این گزارش، امور ذیل از جانب حضرت ﷺ به معاذ برای تربیت مردم توصیه شده است: «آموزش کتاب خدا و تربیت اخلاقی عموم با اخلاق صالح، اجرای احکام الهی و جمع آوری اموال، مدارا و گذشت در غیر امور مربوط به ترک حق، زیر پا گذاشتن آداب و رسوم جاهلیت مگر آنچه را که اسلام سنت قرار داده پیروی از شعائر اسلام و تلاش در نماز که حکم ستون اسلام باشد، موعظه بسیار و تشویق مردم به عمل در آنچه خدا دوست می دارد». افزون بر آن، گزارش مذکور برای مبلغ نیز دستورالعمل فردی در بردارد: «تو را به تقوای الهی، آرامش در سخنوری، صداقت در گفتار، وفای به عهد، ادای امانت و ترک خیانت، سلام کردن، حفظ همسایه، مرحمت

به یتیم، عمل خوب، کوتاهی آرزوها، دوستی آخرت، فرو خوردن خشم، ترس از حساب روز قیامت، ملازمت با ایمان، فهم عمیق در قرآن و گشودن آغوش رحمت برای دیگران سفارش می‌کنم» (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۴۷۴).

از دیگر رویکردهای تبلیغ در صدر اسلام، اعزام افراد مبلغ با منش‌های اعتقادی متفاوت است. این امر پیام‌آور آن است که همه مسلمانان مجاز به تبلیغ و دعوت به اسلام هستند، هر چند سرپرستی مؤمنان به بهترین آنان تعلق خواهد داشت. دریافت این مطلب از گزارش خبر ارتداد عمرو بن معدی کرب به وضوح برداشت می‌شود. چنان که وقتی خبر ارتداد و شبیخون عمرو به پیامبر (صلی الله علیه و آله) اطلاع داده شد، دستور داد که علی (علیه السلام) همراه عده‌ای از مهاجرین از جمله خالد بن سعید بن عاص اموی، به سوی بنی زبید حرکت کند. از آن جا که بنی زبید با بنی جعفی^۱ هم‌پیمان بودند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) خالد بن ولید را نیز همراه عده‌ای از اعراب به سوی آن‌ها اعزام کرد. آن حضرت به خالد فرمود که به سوی بنی جعفی حرکت کند و اگر با علی (علیه السلام) برخورد کردند، فرماندهی دولشکر را علی (علیه السلام) بر عهده بگیرد (همان: ۳۵۱).

در مجموع، آنچه از اعزام‌های تبلیغی مبلغان در زمان حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به دست می‌آید، بر موضوعات ذیل استوار است:

الف. مبلغان با منش‌های اعتقادی متفاوت، به رهبری فرد اصلح بودند.

ب. اعزام‌ها برای حل مشکلات اقتصادی خود مبلغ، دریافت صدقات، خمس، هدایا، زکات و ... دعوت به اسلام، آموزش احکام، اعتقادات، اخلاق و قرآن ذکر شده است.

ج. روش آموزش مبانی اسلام، تدریجی است.

۲-۲. اعزام علی (علیه السلام) به یمن (زمان، تعداد و اهداف)

چنان که ذکر شد، از مبلغان موفق صدر اسلام در یمن، امام علی (علیه السلام) است. درباره

۱. به جای بنی جعفی، به آن بنی مراد نیز گفته شده است (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۴۹).

تعداد و اهداف اعزام‌های امام علی (علیه السلام) به آن منطقه، مورخان صدر اسلام دارای اقوال مختلف و متناقض هستند. غالب مورخان و سیره‌نویسان متقدم، دو مرتبه اعزام به یمن را برای حضرت قائل‌اند، در حالی که برخی پژوهش‌های معاصر، سه یا چهار اعزام را نام برده‌اند (همان: ۳۵۱). از آن‌جا که در تعداد و زمان دقیق اعزام‌هایی که برای حضرت (علیه السلام) نقل شده، اتفاق نظری بین مورخان وجود ندارد، گزارش‌های نام‌برده به چهار بخش تقسیم می‌شوند.

۲-۳. عرضه اسلام به همدان و بنی‌زبید و بنی‌جعفی

در شرح ماجرای عرضه اسلام به همدانیان آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله)، خالد بن ولید را به یمن فرستاد تا آن‌ها را به اسلام فرا خواند. پس از شش ماه، کسی دعوتش را نپذیرفت. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را فرستاد که خالد را برگرداند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۱۳۱-۱۳۲؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵ ق، ج ۴: ۲۹۰-۲۹۱).

با ورود علی (علیه السلام) به یمن، مردم برای مقابله با ایشان جمع شدند. حضرت با مرتب کردن صف‌ها، آنان را انداز نمود و نامه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برای ایشان خواند. در نتیجه این دیدار، همدانیان در آن روز اسلام آوردند. علی (علیه السلام) خبر این ماجرا را در طی نامه‌ای به اطلاع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسانید و حضرت با شنیدن این خبر، سجده شکر به جای آورد و سه مرتبه بر همدانیان درود فرستاد. پس از آن، یمنی‌ها همگی اسلام آوردند و وفدهای خود را به سوی مدینه ارسال کردند (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۴۷۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۶۱). سال اعزام نامبرده در گزارش‌های تاریخی متقدم و متأخر متفاوت است. برخی مانند السیره النبویه (دحلان، ۱۴۲۱ ق، ج ۲: ۳۷۰-۳۷۱) و علی امام البررة (خویی، ج ۳: ۲۰۲-۲۶۰) آن را در سال هشتم هجری و برخی دیگر (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۲: ۳۰۱؛ بلاذری، ۱۹۵۹ م، ج ۱: ۳۸۴) و طبری از قول واقدی آن را در سال دهم هجری ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۱۳۱-۱۳۲).

ابن‌خلدون به دنبال ماجرای اعزام حضرت به همدان و رسیدن وفدهای یمنی به مدینه، چگونگی اعزام علی (علیه السلام) به بنی‌زبید و اسلام آوردن عمرو بن معدی کرب زبیدی را نقل

می‌کند (ابن خلدون، ۱۴۰۸ ق، ج ۲: ۴۷۵). در حالی که بنا بر برخی گزارش‌ها، وفدهای یمنی‌ها در سال دهم و یازدهم به مدینه رسیده است (عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۸: ۲۷۱). در چگونگی ماجرای اعزام، از قول براء بن عازب که ملازم حضرت در آن سفر بود، نقل شده که همدانیان با آماده‌باش جنگی به مقابل علی (علیه السلام) آمدند و چون علی (علیه السلام) ایشان را دیدار کرد، با صدای بلند فرمود: «يَا شَجَرُ، يَا مَدْرُ، يَا نَزْرِي، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ يُقَرِّئُكُمْ السَّلَامَ». ناگاه از هر درختی، کلوخی و قطعه زمینی جداگانه به یک‌بار بانگ برخاست که بر محمد و بر تو سلام باد. مردم چون این را دیدند، به لرزه افتادند و تسلیم شدند (سپهر، ۱۳۸۰: ۱۵۶۰).

اعزام امام علی (علیه السلام) به بنی‌زبید و بنی‌جعفی (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۴۹) به دنبال ارتداد عمرو بن معدی‌کرب (از قبایل یمنی) و شبیخون عمرو انجام شد (عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۸: ۲۷۳). از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود به‌سوی بنی‌زبید حرکت کند (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۵۱). برخی مورخان معاصر احتمال می‌دهند که ارسال علی (علیه السلام) به سریه بنی‌زبید در یمن، همان سریه‌ای باشد که واقدی آن را در سال هشتم هجری و دیگری را در ماه رمضان سال دهم هجری دانسته است (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۵۳). این امر در حالی بوده که شیخ مفید، اسلام آوردن عمرو بن معدی‌کرب را بعد از جنگ تبوک، یعنی سال نهم، بیان کرده است (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۵۸؛ آیتی، ۱۳۹۱: ۲۴۰). یعقوبی نیز در گزارش خود نامه‌ای از پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورده که نشان می‌دهد یمنی‌ها اسلام خود را بعد از تبوک اعلام کرده‌اند. در این نامه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) یمنیان را به پرداخت خمس و زکات ترغیب کرده است. این امر بیانگر آن است که اعزام دوم امام علی (علیه السلام) به‌منظور گرفتن خمس و زکات و صدقات بوده و بعد از دعوت به اسلام یمنیان واقع شده است. این نامه دارای بیان احکام نیز است. در این نامه پس از حمد و ثنای الهی، پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تأکید می‌کند که فرستاده شما (یمنی‌ها) در بازگشت از تبوک به نزد حضرت رسیده و با ایشان در مدینه دیدار کرده است. فرستاده، خبر از ایمان یمنیان را آورده و در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: «اگر شایستگی نشان دهید و خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله) را فرمان برید و نماز را بپادارید و از غنیمت‌ها، خمس و زکاتی که بر مؤمنان واجب است را بپردازید، پس هر

که آن را بدهد و بر اسلام خود گواه گیرد و مؤمنان را بر کافران یاری دهد، به راستی او از مؤمنان می باشد و او در امان خدا و امان پیامبرش محمد است» (یعقوبی، ج ۲: ۸۳).

۲-۴. عرضه اسلام به مذحج و دریافت خمس و غنائم

آنچه بیشتر در گزارش های تاریخی به دست می آید این است که منظور از اعزام به یمن، مذحج است. شیخ مفید آورده است که پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را به یمن فرستاد تا خمس معادن را بگیرد و قراردادی که با اهل نجران بسته شده در خصوص حله ها و زر و سیم ها را دریافت کند (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۷۱). تاریخ این مأموریت را در ماه رمضان سال دهم هجری بیان کرده اند که در آن، حضرت به دعوت مذحج، قبیله ای از یمن و زبید، قبیله ای کوچک تر، مأموریت داشت (عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۳۶۰). این اعزام را خویی (ج ۳: ۲۱۸) دومین مأموریت علی (علیه السلام) به یمن نام برده اند که پیامبر ﷺ ایشان را با ۳۰۰ تن به سوی مذحج فرستاد و خویشان برای او پرچم بست و عمامه بر سر او نهاد. اینان را نخستین سوارانی گفته اند که به یمن وارد شدند (واقدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۰۷۹). پاسخ مثبت به دعوت، پرداخت صدقات و خمس از جانب مذحج و به دست آوردن غنیمت از نتایج اعزام حضرت به یمن بود (عاملی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳: ۳۶۰). همچنین طبق گزارش ها، اعزام دوم علی (علیه السلام) به منظور دریافت حله های ذکر شده در صلح با نجرانیان بوده که به حجة الوداع منتهی شده (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۱۴۷) و در طی آن اسلام بر همدانیان عرضه گشت. از طرف دیگر، بنا بر گزارش واقدی، امام علی (علیه السلام) نخستین بار عازم مذحج شده و طی آن اسلام بر همدانیان عرضه شد. شایان ذکر است که در سال عقد پیمان مسیحیان نجران، اختلاف نظر وجود دارد (احمدی میانجی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۴۹۶). برخی مفسران و سیره نگاران، ماجرای مباحله و قرارداد آن را مربوط به سال نهم (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۴: ۴۸۸؛ ابن کثیر، ۱۹۹۰ م، ج ۲: ۳) یا سال دهم هجری (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۳: ۱۳۹؛ حسینی میلانی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۷۲)، پس از نزول سوره توبه و آیه جزیه دانسته اند. برخی نیز آن را از حوادث سال ششم هجری شمرده اند (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۲۶۷).

با توجه به آنکه در ذیل تفسیر آیه «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»، با واسطه از امام علی (علیه السلام)

روایت شده که پیامبر ﷺ سورة براءت را به ایشان داد (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۲۴۹) و به یمن اعزام کرد (حسینی یزدی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ج ۳: ۷۷)، باید در نظر داشت که اعلام آیه براءت توسط علی (علیه السلام) در ماه ذی الحجة سال نهم رخ داده و طبق این گزارش نیز، اعزام حضرت در سال بعد یعنی سال دهم بوده است. طبق گزارش واقدی نیز نخستین بار مذحج با اسلام روبه‌رو شده و از آنجا که دو طایفه بنی‌زبید و بنی‌جعفی (از طایفه سعدالعشیره)، از شاخه‌های قبیله بزرگ مذحج بوده‌اند^۱ (ابن حزم اندلسی، ۱۹۸۷م: ۴۰۹ و ۴۷۶-۴۷۷)، بعید نیست که اعزام به مذحج در گزارش واقدی همان بنی‌زبید و بنی‌جعفی، یعنی اولین اعزام حضرت در سال نهم باشد. افزون بر آن، چنانچه ورود اسلام به یمن را طبق نقشه جزیره العرب از مذحج و سپس به همدان و دیگر نواحی بدانیم، ترتیب تاریخ ورود اسلام و تعداد اعزام‌های حضرت به یمن نیز بر همین اساس صحیح است.

۲-۵. اعزام به سرزمین طی (بتخانه فلس)

ماجرای این اعزام بر این قرار بوده که جبرئیل خدمت پیامبر ﷺ خبر از بتی آهنی در یمن داده که باید کسی آن را درهم بکوبد و آهنش را ضبط کند (امینی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۱۰۰). از این‌رو، پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را در فرماندهی ۱۵۰ مرد انصاری که در بین آنان بزرگان اوس و خزرج بودند، با ۱۰۰ شتر و ۵۰ اسب به‌سوی قبیله طی در سرزمین نجد فرستاد (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۹۸۴) تا بتی را که می‌پرستیدند و در جایی به نام فلس قرار داشت، ویران سازند. علی (علیه السلام) در این رویارویی، گروهی را کشت، برخی را اسیر کرد، چهارپایانشان را در اختیار گرفت، بتی را که به آن پناه می‌بردند ویران کرد و از خزانه بتخانه، سه شمشیر و سه زره غنیمت گرفت. رهبر طی، عدی بن حاتم نیز به شام پناهنده شد. درنهایت، علی (علیه السلام) اسیران و غنایم را به مدینه آورد. تاریخ اعزام این سریه، ربیع‌الثانی سال هفتم هجری (معروف حسنی، ج ۲: ۳۵۳) یا ربیع‌الاول سال نهم هجری گزارش شده است (امینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۵۲؛ خویی، ج ۳: ۲۱۳).

۱. علت اعزام حضرت به یمن، گرفتن صدقات نجران در سال دهم ذکر شده است. زبید، یکی از قبایل مشهور عرب که قسمتی از آن امروزه در خوزستان سکونت دارد. بنی‌جعفی تیره‌ای از قبیله مذحج است (ابن حزم اندلسی، ۱۹۸۷: ۴۰۹ و ۴۷۶-۴۷۷).

۲-۶. اعزام برای قضاوت

امام علی (علیه السلام) اولین قاضی اعزامی به یمن توسط پیامبر ﷺ بود (خویی، ج ۳: ۲۰۲). هنگامی که دستور این سفر توسط رسول خدا ﷺ صادر شد، علی (علیه السلام) درباره قضاوت ابراز نگرانی کرد. دعا و توصیه‌های حضرت محمد ﷺ یاریگر امیرالمؤمنین شدند. در این خصوص، دست بر سینه علی (علیه السلام) گذاشتند و دعا فرمود که خداوند دل ایشان را هدایت و زبانشان را پایدار فرماید. درباره قضاوت نیز توصیه‌ای فرمودند که تا سخنان طرفین دعوی را نشنیده‌ای، قضاوت را آغاز مکن. علی (علیه السلام) تأکید کرده‌اند که پس از آن، هرگز در قضاوت شک نکرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۲۵۷؛ زبیر بن بکار، ۲۰۰۵ م: ۳۶۳-۳۶۴).

در بررسی گزارش‌های قضاوت در زمان پیامبر ﷺ، مشاهده می‌شود که این منصب در نزد ایشان دارای جایگاه ویژه‌ای است. این ویژگی در کلام امام صادق (علیه السلام) نیز هویدا است و در این روایت، حضرت منصب قضاوت را مختص پیامبر یا جانشین او می‌داند^۱ (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱: ۶۳۸). از فحوای کلام امام فهمیده می‌شود که این منصب به افراد بری از خطا در زمان پیامبر ﷺ اختصاص داشته و به عبارتی، با توجه به نقش تبلیغی ایشان در یمن، اعزام امام علی (علیه السلام) برای امر قضاوت، حکایت از معرفی حضرت به عنوان جانشین به مسلمانان یمن را داشته است.

برخی گزارش‌ها از قضاوت‌های امام علی (علیه السلام)، حکایت از بینش عالمانه و منطبق بر سیره پیامبر ﷺ می‌کند. در این خصوص نقل شده که ایشان درباره خون‌بها فرمانی صادر کردند مبنی بر آنکه دارندگان گوسفند، دو هزار میش یا ۲۰۰ ماده گاو شش‌ساله و شترداران، صد شتر پرداخت کنند. برای دارندگان گاو نیز دستور دادند ۲۰۰ گاو باشد که نیمی از آن کلان‌سال و بقیه، گاو و شاخی به یک اندازه دارا باشد. همچنین افرادی که حله و جامه می‌توانند پرداخت کنند، دو هزار برد یمنی دیه بدهند (واقفی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۰۸۵-۱۰۸۶).

افزون بر آن، حضرت درباره سقوط شخصی در چاهی که شیری در آن بود و به واسطه

۱. امام صادق ع، از علی (علیه السلام) نقل می‌کند که به شریح قاضی فرمودند: ای شریح در جایگاهی نشسته‌ای که جز سه نفر قرار نمی‌گیرند، پیامبر، وصی پیامبر و یا انسان بدبخت. در نتیجه غیر از این دو استحقاق قضاوت را ندارند (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۱: ۶۳۸).

سقوطش سه نفر دیگر هلاک شدند، فرمودند: برای نفر اول، يك چهارم ديه به خاطر آنکه سه نفر دیگر به دنبال او کشته شدند؛ برای فرد دوم يك سوم ديه؛ زیرا سبب مرگ دو نفر دیگر شده؛ و برای شخص سوم يك دوم ديه؛ چراکه يك نفر بعد از او کشته شده است. درباره نفر چهارم نیز دستور ديه کامل صادر فرمودند. یمنی ها شرح این قضاوت را در حجة الوداع نزد پیامبر ﷺ بیان کردند. پیامبر ﷺ در این خصوص فرمودند: حکم همان بوده که او داده است (واقدي، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۰۸۶).

۳. رویکرد تبلیغی امام علی (علیه السلام) در یمن

در این مبحث این سؤال مطرح می شود که روش تبلیغی ایشان چه ویژگی هایی داشته که سبب پذیرش قاطع اسلام توسط یمنی ها و شکل گیری جریان حامی تشیع شده است؟ آنچه از نقل اخبار مربوط به این سفر موجود است به این عوامل دخیل می توان اشاره کرد:

۳-۱. تأثیر بیان حق و شایستگی های الهی مبلغ

از معتبرترین گزارش ها در وصف جایگاه معنوی امام علی (علیه السلام)، گزارش براء بن عازب در چگونگی اعزام امام به یمن و ایمان آوردن قبیله همدان است. در این خبر بیان شده که چون همدانیان از آمدن علی (علیه السلام) خبردار شدند، نزد ما تجمع کردند. علی (علیه السلام) نماز صبح را با ما خواند و پس از ستایش خدا، نامه دعوت پیامبر ﷺ به اسلام را برای آن ها خواند و در نتیجه، قبیله همدان همگی در همان روز ایمان آوردند. علی (علیه السلام) نیز جریان اسلام آوردن قبیله همدان را به پیامبر ﷺ نوشت. پیامبر ﷺ به سجده افتاد و سه بار فرمود: «درود بر قبیله همدان». سپس مردم دیگر یمن نیز اسلام آوردند (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۶۲). در بحث تاریخ ارسال خالد به همدان، گزارشی نیست. در حالی که واقدی سریه خالد بن ولید به جانب بنی عبدالمدان (بنی الحارث)^۱ در نجران را در ماه ربیع الاول از سال دهم هجرت پیامبر ﷺ

۱. بنی عبدالمدان بن دیان از خاندان بزرگ بنی حارث بودند (اصفهانی، ۱۳۸۵ق، ج ۱۲: ۸-۹). محل سکونت آنان در شهر نجران و نواحی آن و همسایگی همدان، دیگر قبیله قحطانی بود (یعقوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۱۶-۳۲۰). صلح پیامبر با مسیحیان که در ۲۴ ماده و در ربیع الاخر یا جمادی الاولی سال دهم هجری که پیامبر ﷺ با اعزام خالد بن ولید به سوی قبیله بنی الحارث در نجران، ایشان را به اسلام فراخواند و آنان نیز پذیرفتند؛ اما این گروه جز مسیحیان بودند، زیرا درباره مسیحیان نجران آمده که اسلام نیاوردند و در پرداخت جزیه با پیامبر ﷺ مصالحه کردند (ر.ک: ابن کثیر، ج ۳: ۱۸۵ به بعد).

می‌داند (اصفهانی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱۲: ۸-۹) و پس از آن سریه امام علی (علیه السلام) به یمن را عنوان می‌کند. شش ماه فاصله بین تاریخ اعزام خالد و امام علی (علیه السلام) در رمضان سال دهم است؛ یعنی همان مدت زمانی که در گزارش شیخ مفید برای حضور ناموفق خالد در همدان ذکر شده. از آن جا که بنی‌عبدالمدان در همسایگی همدان بوده و گزارشی مبنی بر ارسال خالد به قبیله همدان دیده نمی‌شود، می‌توان دریافت که خالد پس از دعوت بنی‌عبدالمدان به اسلام، نزد همدانیان رفته باشد. از گزارش‌های وارده در ارسال نامه پیامبر ﷺ به بلاد مختلف که در حدود ۱۸۵ نامه نام برده شده است، به جرئت می‌توان گفت که هیچ گزارشی یافت نمی‌شود که با قرائت نامه توسط مبلغ، گرویدن جماعتی به اسلام بیان شده باشد. این یگانگی گزارش، نشان‌دهنده تأثیر شخصیت مبلغ (علی (علیه السلام)) در فراتر از متن نامه است. گویی خود حضور و صلابت ایشان، پیام را از قالب نوشتار به میدان عینیت تبدیل کرده است. لذا این گزارش که مورد توجه مورخان بسیاری بوده، حکایت از گفتار حق و شایستگی‌های الهی مبلغ دارد. در این سریه، حضرت در همان ابتدای دعوت، پس از گزاردن نماز، با حمد الهی به معرفی خدای مورد پرستش مسلمانان پرداخت. از آن جا که مبلغ این دعوت، خود عارفی در راه شناخت خداوند بوده، توصیف الهی ویژگی‌های پروردگار، اثر ارتباط مخاطبان با محتوای پیش رو را افزایش داده است.

۳-۲. رویکرد پیامبرانه امام علی (علیه السلام) در تبلیغ (تبلیغ عملی و الگودهی)

برای دستیابی به الگوی تبلیغی امام علی (علیه السلام)، رجوع به سیره تبلیغی پیامبر امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چراکه روش ابلاغی علی (علیه السلام) برگرفته از پیامبر ﷺ بوده و امام سفارش‌های پیامبر ﷺ را اجرا می‌کرد.

در گزارشی از بریده نقل شده که پیامبر ﷺ علی (علیه السلام) را به یمن فرستاد تا غنایم و اسیران را تخمیس کند. ایشان اسرای زن را تخمیس و بقیه را بین لشکریان تقسیم کرد. پس کنیزی را که در میان اسرا بود، جزو خمس قرار داد و از سهام آل‌البیت پیامبر ﷺ شد (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۳۵۲). هرچند گزارش مذکور از نظر محتوایی، قابل پذیرش نیست^۱؛

۱. اشکال محتوایی این گزارش بر اساس چنین روایاتی بیان می‌شود: حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ النِّسَاءَ عَلَى عَلِيٍّ مَا دَامَتْ فَاطِمَةُ حَيَّةً (مجلسی، ج ۴۳: ۱۶، ح ۱۴)

اما جدا از ایراد محتوایی این روایت، شاید بتوان عمل تقسیم غنائم و برداشت حق امام از خمس را اجرای عملی احکام شرعی توسط حضرت برای نهادینه شدن آن حکم نزد تازه مسلمانان فرض کرد. افزون بر آن، صحنه‌ای بر حق اشتراک با پیامبر در بهره‌وری از سهم خمس برای معرفی جایگاه جانشینی امام نیز فهمیده می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۱۶۱-۱۶۲). از طرف دیگر، این اقدام ترسیم چهره بشری برای حضرت را در نزد یمنی‌ها به دنبال داشته که طبق متن دستور قرآن بوده است.^۱

بنابراین در سیره تبلیغی امام علی (علیه السلام)، عادی‌سازی چهره مبلغ در منظر مستمع یعنی مردمی بودن که حاصل آن پیوند با مردم و پذیرش پیام مبلغ توسط مردم است و اجرای عملی احکام یعنی عامل بودن مبلغ به حکم از ویژگی‌های تبلیغی حضرت به شمار می‌آید.

۳-۳. الگوپذیری علی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله)

هنگامی که پیامبر ص، علی (علیه السلام) را به یمن فرستاد، به ایشان فرمود: «برو و به پشت سر خود نگاه نکن و با آنان پیکار مکن، مگر اینکه آنان به جنگ با تو درآیند. پس آن‌ها را به گفتن لا اله الا الله دعوت کن، اگر پذیرفتند آن‌ها را به نماز گزاردن امر کن و اگر اطاعت کردند، جز این از آن‌ها چیزی مخواه. به خدا قسم اگر یک مرد به وسیله تو هدایت گردد، برای تو بهتر از آن چیزی است که خورشید بر آن می تابد یا غروب می کند» (امین، ۱۳۷۶، ج ۱: ۲۵۵).

گزارش نامبرده بر دستورالعمل‌های زیر تأکید دارد:

الف. شتاب در امر تبلیغ: یکی به خاطر تأکید بر اعزام سریع امام به یمن (در دعوت به اسلام) و دیگر حضور ناموفق خالد بن ولید که اصلاح وقایع به وجود آمده را توسط فردی عالم می‌طلبید.

۱. «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» (کهف، ۱۱۰).

ب. آغازکننده جنگ نبودن: در این کلام پیامبر ﷺ ابتدا بر نقش معرفی اسلام به واسطه کلام مبلغ تأکید می‌شود و سپس جهاد به عنوان راه حل بعدی مطرح شده که دلالت بر آماده بودن مسلمانان در احتمال وقوع جنگ را دارد.

در همین باره، گزارش واقعی بر این امر تأکید دارد که علی (علیه السلام) در اثنای اعزام به یمن، با پیروی از سیره پیامبر ﷺ هنگام پیروزی بر دشمن و مسلمان شدن ایشان، غنایم را جمع و نامه‌ای برای پیامبر ﷺ فرستاد و خبر داد که به جمعی از قبیله بنی‌زبید و غیر ایشان برخورد کرده و آن‌ها را به اسلام دعوت و اعلام کرده که اگر مسلمان شوند دست از آن‌ها برخواهد داشت، ولی آنان نپذیرفته‌اند و ناچار جنگ را آغاز کرده است. حضرت بیان می‌کند که خداوند مرا بر آن‌ها پیروزی داد و پس از اینکه گروهی از ایشان کشته شدند، پیشنهاد دعوت را پذیرفتند و زکات را قبول کردند. در نتیجه، گروهی از آنان برای آموزش امور دینی نزد من آمده‌اند و من مشغول آموزش قرآن به آن‌ها هستم (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۰۷۸-۱۰۸۲).

ج. دعوت به لا اله الا الله به عنوان اصل دعوت: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (احزاب، ۴۵-۴۶).^۱ از بین همه جنبه‌های ارشادی این آیه پیدا است که «دعوت به سوی خدا» از اهداف اصلی تبلیغ است.

د. پرهیز از تکلیف مالایطاق بر تازه‌مسلمانان: این همان تبلیغ و تعلیم تدریجی نامیده می‌شود. در واقع حذر از آموزش یک‌باره واجبات شرعی و احکام بر تازه‌مسلمان منظور است.

ه. باز گذاشتن راه بازگشت برای فراریان: در سیره تبلیغی امام، راه بازگشت بدون قید و شرط فراریان حتی مرتدین نیز باز گذاشته شده است. چنان‌که عمرو بن معدی کرب پس از ارتداد و اسلام آوردن مجدد، بخشیده می‌شود و در خبر آمده است که علی (علیه السلام) در پیروی از سیره پیامبر ﷺ هنگامی که عمرو و بنی‌زبید فرار کردند و زنانشان، از جمله زن

۱. ای پیامبر! ما تو را گواه (امت) و نویددهنده و اعلام خطرکننده و دعوت‌کننده به سوی خدا به اذن خود او، و چراغی نوره فرستادیم.

عمرو، رکانه دختر سلامه و فرزندش اسیر شدند، خالد بن سعید را در میان بنی زبید باقی گذاشت تا به هر کدام از فراریان که مسلمان می شوند، امان دهد و زکات را جمع کند. پس هنگامی که عمرو بن معدی کرب بازگشت و دوباره اسلام آورد، همسر و فرزندش به او بخشیده شد (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۱: ۱۶۰).

در گزارشی دیگر از ابوسعید خدری که همراه علی (علیه السلام) در یمن بود، نقل شده که آن حضرت در گرفتن خمس، زکات و صدقات برای مردم مشقتی ایجاد نمی فرمود و معمولاً در محل کار آن ها حاضر می شد و میزان زکات دام های آن ها را تعیین می کرد تا میان فقراشان تقسیم شود (واقدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۰۸۵).

۳-۴. خلاقیت در قالب تمثیل

امام علی (علیه السلام) هنگام ایراد خطبه، از اشاراتی تمثیلی برای ارتباط مستمر با ذهن مستمع استفاده می کرد تا بدین وسیله، مطلب در ذهن مخاطب جایگاه محکمی پیدا کند. در خطبه ای نزد یمنیان فرموده اند: «بعضی از مردم، شب را می بینند، ولی روز را نمی بینند. برخی دیگر نه شب را می بینند و نه روز را. پس هر کس با دست کوتاه چیزی بدهد، با دست دراز چیزی به او داده می شود». در توضیح این کنایه از کعب الاحبار، منظور امام (علیه السلام) از ندیدن شب و یا روز توسط مردم، افرادی بوده که به کتاب های اول ایمان دارند و کتاب آخر را قبول نمی کنند و منظور از کسانی که هر دوی شب و روز را نمی بینند، افرادی است که به هیچ کدام از کتب اول و آخر معتقد نیستند. افزون بر آن، اشاره بر دست کوتاه و دراز، صدقاتی بوده که خداوند آن را می پذیرد (واقدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۱۰۸۲).

۳-۵. توجه به جایگاه علمی مخاطب و پاسخ متناسب با وی

بدون تردید، مخاطب شناسی و توجه به جایگاه علمی و معنوی افراد، از مهم ترین رفتارهای تبلیغی امام علی (علیه السلام) شناخته می شود. در داستانی از محمد بن عمر واقدی نقل شده است: حضرت در برابر سوال یکی از دانشمندان یهودی که خواستار توصیف ابوالقاسم (علیه السلام) بود، فرموده اند: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) کوتاه قامت و بیش از اندازه بلند نیستند. موهای

حضرت سیاه و مابین دو حالت مجعد و کاملاً صاف بوده، رنگ رخسار ایشان سپید و آمیخته با رگه‌های سرخ است. صورت حضرت با مژگانی برجسته و ابروهایی پیوسته و پیشانی گشاده دیده می‌شود. بدن مبارک محمد (صلی الله علیه و آله) دارای استخوان‌بندی درشت، کف دست و پاهایشان تناور و رشته باریک مویی بر روی سینه‌شان روییده است. شانه‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) گشاده و به هنگام قدم برداشتن، چنان حرکت می‌کند که گویی از فراز بلندی‌ها پایین می‌آید.» علی (علیه السلام) در برابر سوال کننده که خواستار توضیحات بیشتری بوده، افزوده است: «در چشم‌هایش رگه‌های سرخ وجود دارد، ریش او زیباست و دهان و گوش‌هایش در کمال زیبایی هستند، به هر سو که برمی‌گردد با تمام بدن برمی‌گردد و به هنگام حرکت، گویی از فراز بلندی پایین می‌آید.» سپس، دانشمند یهودی با شنیدن این توصیفات به اسلام گروید و نزد حضرت (علیه السلام) قرآن و شرایع اسلام را آموخت (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳: ۳۹۴). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، علی (علیه السلام) در این گزارش سؤال‌های دانشمند یهودی را مناسب نگاه ریزبینانه وی پاسخ می‌دهد و جواب‌ها را طوری اظهار می‌کند که با آنچه در ذهن مخاطبش می‌گذرد، همخوانی بیشتری داشته باشد. در همین مسیر تا جایی که اقناع مخاطب خویش را درک نکرده است، از پاسخ دادن به وی روی بر نمی‌گرداند.

جدول ۱. مقایسه رویکرد تبلیغی امام علی (علیه السلام) در برابر دیگر مبلغان در یمن

امام علی (علیه السلام)	معاذ بن جبل	خالد بن ولید	مؤلفه
چند ماه (در دو سفر)	نلمشخص	۶ ماه	مدت حضور
اسلام آوردن دسته جمعی قبایل	موفقیت محدود	هیچ کس اسلام نیاورد	نتیجه دعوت
دعوت توأم با اخلاق، تمثیل و عمل	آموزش احکام و قواعد	تهدید و نمایش قدرت نظامی	روش اصلی
جانشین پیامبر (صلی الله علیه و آله) با شایستگی‌های معنوی	معلم و مبلغ	فرمانده نظامی	شخصیت مبلغ

نوع برخورد با مخاطب	از بالا به پایین	آموزشی	هم‌سطح و همراه با تکریم
استفاده از نامه پیامبر (ص)	خیر	خیر	بله (قرائت نامه با تأثیر شگرف)
مخاطب‌شناسی	نداشته	محدود	قوی (پاسخ به عالم یهودی و...)
تبلیغ عملی	نداشته	محدود	قوی (تقسیم غنائیم، قضاوت عادلانه)
خلاقیت در قالب	نداشته	نداشته	استفاده از تمثیل و کنایه
ماندگاری نتیجه	صفر	کم	بسیار بالا (شکل‌گیری تشیع در یمن)

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف واکاوی علل کارآمدی منحصر به فرد رویکرد تبلیغی امام علی (ع) در یمن، نشان داد که موفقیت ایشان نه امری تصادفی، بلکه حاصل یک پارادایم تبلیغی جامع و انسان‌محور بوده است. در حالی که تلاش‌های پیشین سایر مبلغان به دلیل اتکای صرف بر ابلاغ احکام یا نمایش قدرت نظامی به بن‌بست رسیده بود، امام علی (ع) با درپیش گرفتن یک استراتژی چندبعدی، دیالکتیکی عمیق میان «شخصیت مبلغ»، «محتوای پیام» و «ظرفیت مخاطب» برقرار ساخت. یافته‌های کلیدی این تحقیق را می‌توان در سه محور اصلی صورت‌بندی کرد:

الف. اصالت مبتنی بر شایستگی ذاتی: نخستین و بنیادین‌ترین عامل موفقیت، شخصیت و جایگاه معنوی خود مبلغ بود. امام علی (ع) صرفاً یک فرستاده سیاسی یا نظامی نبود، بلکه تجلیگاه علم، تقوا و عدالت نبوی به شمار می‌رفت. «بیان حق منشانه» و قرائت نامه پیامبر (ص) توسط ایشان، به خودی خود حامل چنان نیروی معنوی بود که مقاومت‌ها را در هم می‌شکست. این امر نشان می‌دهد که در پارادایم علوی، تأثیرگذاری پیام از صلاحیت و حقانیت پیام‌رسان جدایی‌ناپذیر است.

ب. روش‌شناسی تعلیم هوشمندانه: رویکرد امام (علیه السلام) یک الگوی آموزشی دقیق و حساب‌شده بود. ایشان با درک صحیح از شرایط فرهنگی و فکری یمن، از اصل تدریج (پرهیز از تکلیف مالایطاق)، مخاطب‌شناسی (پاسخگویی متناسب به عالم یهودی) و تقدم دعوت بر جهاد بهره جست. به کارگیری «قالب موعظه تمثیلی» نیز نشانه تسلط ایشان بر ابزارهای بلاغی برای نفوذ در عمق جان مخاطب و تبدیل مفاهیم انتزاعی به اموری ملموس و قابل فهم دارد.

ج. تبلیغ عملی و الگوسازی: امام علی (علیه السلام) احکام اسلام را صرفاً موعظه نمی‌کرد، بلکه آن‌ها را در عمل به نمایش می‌گذاشت. شیوه قضاوت عادلانه، مدارا در جمع‌آوری زکات و اجرای دقیق حکم خمس ضمن معرفی جایگاه شرعی اهل بیت (علیهم السلام)، تصویری از عدالت عملی اسلام را در ذهن نوکیشان یمنی ترسیم کرد. این «تبلیغ مبتنی بر سیره» بسیار مؤثرتر از هر خطابه و استدلالی، اعتماد و محبت آنان را جلب کرد.

در نهایت، می‌توان استنتاج کرد که فتح یمن توسط امام علی (علیه السلام) نه یک پیروزی نظامی، بلکه فتح قلوب از طریق به کارگیری «جذابیت معنوی و اخلاقی مبتنی بر سیره نبوی» بود. این رویکرد، نه تنها به اسلام آوردن سریع و پایدار قبایلی چون همدان و مدحج انجامید، بلکه پیوندی عمیق و ولایت‌محور میان یمنیان و شخص امیرالمؤمنین (علیه السلام) ایجاد کرد؛ پیوندی که سنگ بنای تشیع در آن منطقه شد و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن در حوادث کلیدی صدر اسلام، از جمله حمایت از خلافت ایشان، به وضوح مشاهده می‌شود. از این منظر، سیره تبلیغی امام علی (علیه السلام) در یمن، یک الگوی راهبردی و جاودان برای دعوت دینی است که بر اصالت مبلغ، هوشمندی در روش و انطباق عمل با گفتار استوار است. این الگو به مبلغان معاصر می‌آموزد که موفقیت در تبلیغ، بیش از آنکه به محتوای پیام وابسته باشد، به شخصیت مبلغ، شناخت عمیق مخاطب و هماهنگی گفتار و رفتار بستگی دارد.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

- آیتی، محمدابراهیم. (۱۳۹۱). *تاریخ پیامبر اسلام*. به کوشش: ابوالقاسم گرجی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: دار صادر.
- _____ . (۱۴۱۵ق). *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*. محقق: علی محمد معوض و عادل احمد. بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی. (۱۴۱۲ق). *المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک*. تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمية.
- ابن حزم اندلسی. (۱۹۸۷م). *رسائل*. محقق: احسان عباس. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد. (۱۴۰۸ق). *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر*. بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰ق). *الطبقات الكبرى*. محقق: محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمية.
- ابن عساکر، علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). *تاریخ دمشق*. بیروت: دار الفکر.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (۱۳۵۵ق). *السيرة النبوية*. تحقیق: مصطفى سقا، ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شلبی. قاهره: بی نا.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۹۹۰م). *البدایة والنهاية فی تاریخ*. بیروت: مكتبة المعارف.
- ابونعیم، احمد بن عبدالله. (۱۴۲۲ق). *معرفة الصحابة*. محقق: مسعد عبدالحمید سعدنی و محمدحسن اسماعیل شافعی. بیروت: دارالکتب العلمية.
- احمدی میانجی، علی. (۱۳۷۷). *مکاتیب الرسول ﷺ*. قم: دار الحديث.
- اصفهانى، ابوالفرج. (۱۳۸۵ق). *مقاتل الطالبیین*. نجف اشرف: المكتبة الحیدریة.
- امین، سیدمحسن. (۱۳۷۶). *سیره معصومان*. مترجم: علی حجتی کرمانی و حسین وجدانی. تهران: سروش.
- امینی، عبدالحسین. (۱۳۸۷). *الغدیر*. تهران: بنیاد بعثت.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۵۹م). *أنساب الأشراف*. تحقیق: محمد حمیدالله. مصر: دار المعارف.
- _____ . (۱۹۸۸م). *فتوح البلدان*. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- حسینی میلانی، سیدعلی. (۱۳۸۴). *نفحات الأزهار*. قم: مركز الحقایق الاسلامیه.
- حسینی یزدی فیروزآبادی، سیدمرتضی. (۱۳۹۱). *فضایل پنج تن (علیهم السلام) در صحاح شش گانه اهل سنت*. مترجم: محمدباقر ساعدی. تهران: دار العلم.
- حمید الله، حمید. (۱۳۷۷). *نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد ﷺ*. ترجمه سید محمد حسینی. تهران: سروش.
- خویی، سیدابوالقاسم. (بی تا). *علی امام البررة*. بیروت: دار الهادی.
- دحلان، احمد زینی. (۱۴۲۱ق). *السيرة النبوية*. بیروت: دار الفکر.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۳۸۲ق). *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*. بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۹م). *الأعلام قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین*.

بیروت: دار العلم للملایین.

زیر بن بکار. (۲۰۰۵م). **الأخبار الموقفات**. اختصار و تحقیق: خلیل المنصور. دمشق: وزارة الثقافة فی الجمهورية العربية السورية.

سعیدیان جزى، مریم. (۱۳۹۳). «تحلیل و بررسی ابعاد سیره امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) به یمن و پیامدهای آن»، **شیعه‌شناسی**. دوره ۱۲. شماره ۴۷. صص ۱۴۲-۱۰۷.

سپهر، محمدتقی. (۱۳۸۰). **ناسخ التواریخ (زندگانی پیامبر)**. مصحح: جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۷). **تفسیر المیزان**. مترجم: ناصر مکارم شیرازی. تهران: رجا.

طبرسی، الفضل بن الحسن. (۱۴۱۵ق). **تفسیر مجمع البیان**. تحقیق: لجنة من العلماء والمحققین الأخصائیین. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، الفضل بن الحسن. (۱۴۱۷ق). **إعلام الوری بأعلام الهدی**. قم: مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

طبری، محمد بن جریر. (۳۸۷ق). **تاریخ الطبری: تاریخ الأمم والملوک**. تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.

عاملی، سید جعفر مرتضی. (۱۴۱۹ق). **الصحيح من سيرة النبي الأعظم (علیه السلام)**. تهران: سحرگاهان.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۴۲۹ق). **الکافی**. قم: دار الحديث.

مسعودی، علی بن حسین. (۹۷۹م). **مروج الذهب ومعادن الجوهر**. بیروت: دار الفکر.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد**. قم: الموتر.

_____. (۱۳۸۸). **الإرشاد**. مترجم: حسن موسوی مجاب. قم: سرور.

منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۰). **نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (علیهم السلام)**. قم: بوستان کتاب.

میرزایی، محمد. (۱۴۰۴). «مبانی و روش های سیره تبلیغی امام علی (علیه السلام)». **رساله دکتری**. رشته الهیات و معارف اسلامی -

علوم و معارف نهج البلاغه. دانشگاه مپید.

واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). **المغازی**. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۵۶). **البلدان**. مترجم: محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____. (۱۴۲۲ق). **البلدان**. مقدمه و حواشی: محمد امین ضناوی. بیروت: دار الکتب العلمیة.

_____. (بی تا). **تاریخ الیعقوبی**. بیروت: دار صادر.

یوسفی غروی، محمد هادی. (۱۳۸۸). **تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعة التاریخ الإسلامی)**. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

The Missionary Approach of Imam Ali (AS) in His Mission to Yemen

Fatemeh Shakibrokh ¹

Received: December 21 , 2025

Revised: July 07 , 2026

Accepted: July 08 , 2026

Abstract

Following the Treaty of Hudaibiyyah in the sixth year of the Hijri calendar, conditions were favorable for inviting the inhabitants of regions surrounding Hejaz to Islam. One such region was Yemen, located in the southern part of the Arabian Peninsula. In the eighth year of Hijra, some of the Prophet's companions, including Imam Ali (AS), were dispatched to invite its people to Islam. The manner in which the people of Yemen welcomed and responded to Imam Ali's (AS) invitation differed significantly from their response to other missionaries. Analyzing the behavioral and communicative traits of Imam Ali (AS) from social and political perspectives helps explain this difference, offering insights that could influence modern Islamic outreach strategies. This is particularly necessary for introducing a suitable model for contemporary society, which faces diverse religious and ideological currents. This study employs a descriptive-analytical method based on historical sources. The findings indicate that Imam Ali's (AS) missionary approach in Yemen was based on factors such as truth-based delivery of divine message, the spiritual qualifications of the missionary, audience awareness, the use of parabolic sermons, and attention to the scientific and spiritual status of the audience. His unique approach ensured the enduring role of Shi'ism in early Islamic events and provided a lasting model for religious propagation.

Keywords

Imam Ali (AS), Yemen, Islamic Propagation, Missionary Approach.

1. History of Shiism; History; University of Islamic Religions and Denominations, Qom, Iran:

f.shakibrokh@urd.ac.ir